

دخترکان بی حجاب می باشد. او به تصدیق آقای مجددی از رهبران مجاهدین افغان بنام دیو و هیولا نام گذاری شده بود. که حکومت های اسلامی از پاکستان تا لیبی امروز حاصل کار دهه ها برنامه ریزی دقیق و حفظ منافع شرکت های نفتی از یک سو و خلع سلاح عقیدتی ملیون و روس ها، از طرف دیگر بود.

می خواهید تاریخ کوتاه سوءاستفاده دول غربی و سرویس های جاسوسی آنها را از برادران مسلمان (اخوان المسلمین منطقه) مستنداً بخوانید می توانید پس از مطالعه کتاب Ian Johnson بنام مسجودی در مونیخ به دیدار کتاب تاریخ مستند اخوان المسلمین و تاریخچه تحولات سیاسی منطقه خاور نزدیک بروید بنام بازی شیطان از رابرت دریفوس (Devil's Game) را می توان از مستندترین مراجع دانست که مطالعه آن به گسترش افق و دید خواننده به مطلب می افزاید. که چگونه پریزدنت روزولت در سال ۱۹۴۳ و بحبوحه جنگ جهانی با کوجکترین فشار آرنج، انگلیس ها را از شبه جزیره عربستان می راند (بریتانیای ورشکسته در جنگ دوم جهانی) و قرارداد نفتی آرامکو تشکیل و امثال استاندارد اویل، شل، اکسان و... جای بریتیش پترولیوم را می گیرند. آمریکا قراردادی با عربستان امضا می کند که حمله به عربستان یعنی تهاجم به خاک آمریکا که تا امروز سندی و موضوعیت دارد. روزولت خطاب به لرد هالیفکس (سفیر بریتانیا) می گوید که نفت ایران برای شما ولی نفت کویت و عراق را تقسیم می کنیم و نفت عربستان هم به ما رسیده است (خیلی با تحکم). آنجاست که آشکار می شود آفتاب امپراطوری بریتانیا غروب کرده است. (پایان جنگ دوم جهانی و طلوع امپراطوری آمریکا).

نگاهی حتا گذرا به زندگی و سرنوشت رهبران اسلامی و بویژه آنانکه در راه تشکیل حکومت اسلامی در کشورهای خود تلاش کرده اند می رساند که آشکارا یک هم منافی و هم سرنوشتی بین اعتقادات و اهداف آنان با دستگاه تبلیغی اروپائیان و آمریکائی ها مشاهده کرده اند. از ضیاء الحق پاکستانی و نوچه سعید رمضان (نماینده سرویس خارجی اخوان المسلمین) تا مجاهدین افغان و آیت الله های ایرانی (از بهبهانی و فضل الله نوری و کاشانی تا خمینی) بی پرده امیال و اهداف ضد چپ و علیه ملیون خودی در آنها آشخوور هم منافی با غرب بوده است. رهبران اسلامی اما که چون خمینی و سایرین از این مطلب به نفع تشکیل و گسترش قدرت سیاسی و حکومت اسلامی خود استفاده کرده اند ولی این یک بازی دو سویه بوده است. گویی تا زمانیکه آخرین قطره نفت در این منطقه پابرجاست، جنبش های دموکراتیک و بویژه چپ مقابل خود موج تقویت شده برادران مسلمان هم پیمان شرکت های نفتی و دولت های غربی را دارند (اگر چه تقابل آشکار تبلیغی هم وجود دارد). مثال اخوان المسلمین که شعارهای تند ضد اسرائیلی از روز اول تأسیس آن موجود بوده ولی عملاً با ترور و خشونت و اکنون همدستی غرب ملیون و چپ ها و دموکرات ها را قلع و قمع کرده و منطقه را رسماً در دست خود گرفته اند. زمانی این برادران مسلمان و تشکیلات بین المللی آنها با عملیات گسترده ترور، چوب لای چرخ دولت های بعضاً دیکتاتوری منطقه هم می گذاردند ولی در عصر سقوط دیکتاتورهای منطقه خاور نزدیک آنان چون شوالیه های رهایی بخش و فرشتگان نجات از لوس آنجلس (محمد المرسی مصری) و لندن (طارق رمضان ها و...) راهی منطقه شده تا موج انقلابی و بهار عربی را رهبری و در تک تک کشورها، تشکیل حکومت اخوان المسلمین و اسلامی دهند! روزی که سعید رمضان در خدمت مستقیم لندن و واشینگتن در پاکستان حزب اسلامی را بنا نهاد او مجدداً به زادگاه خود رفت و بعد در قاهره حکم تأسیس مجاهدین افغانستان را با پول عربستان سعودی و کار پردازی ISI پاکستانی دریافت نمود. روزی شاگردان محمد عبدو (خامنه ای از سرسخت ترین پیروان عبدو است) که حکومت اسلامی را از سید جمال الدین افغانی می گیرد و به رشید رضای سوری می دهد و حسن البناء با کمک انگلیسی ها (همان ساله سید جمال الدین افغانی که طرح حکومت اسلامی خود را در سال ۱۹۷۰ میلادی در لندن به مقام مسئول بریتانیایی تقدیم می کند) اخوان را پایه می گذارد. امروز محمد المرسی در انتظار سقوط سوریه و دیدن دیگر برادر مسلمان خود در دمشق لحظه شماری می کند که اخوان المسلمین تروریست، امروزه به عنوان انقلابیون بهار عربی و خزان دموکراسی منطقه را از

رویای تجدید خلافت اسلامی و اقلأ در منطقه خاور نزدیک همواره و برای قرن ها، موضوع تلاش و مجاهدت معتقدین به اسلام محمد بن عبدالله بوده است. تشکیل دولت های اسلامی در تک تک کشورهای منطقه و پس از اتمام کار آخرین امپراطوری های اسلامی (مصر و عثمانی)، موضوع مبارزات گروه ها و سپس سازمان هائی چون برادران اسلامی شد. در جنگ جهانی اول و دوم و بیشتر پس از تأسیس جمهوری های جنوبی اتحاد شوروی در مناطق ترکستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و آذربایجان (آران)، ابتدا نازی ها با تشکیل لشگری از مسلمانان آن مناطق که از ارتش سرخ فرار نموده و یا اسیر جنگی بودند، تلاش نمودند تا اتحاد شوروی را از این زاویه مشغول کنند. تشکیل ستاد مسلمانان کریمه و ترکستان و تأسیس شعبه مسلمانان در دستگاه جاسوسی آلمان SS، پس از جنگ جهانی دوم، جای خود را به مناسبات گسترده آمریکائی ها با اخوان المسلمین داد. همان برادران مسلمان که در سال ۱۹۲۸ و با راهنمایی فرماندار انگلیسی اسکندریه و بدست حسن البناء تشکیل شد. مطلب من در دو جهت به مسئله تلاش گروه ها و سازمان های اسلامی برای کسب قدرت سیاسی می نگرد. ابتدا علاقه و ایمان خالصانه سرمدمداران مسلمان این موسسات و احزاب و سازمان ها و گروه های اسلامی برای کسب قدرت سیاسی و در جهتی دیگر، اشتراک علاقه و منافع سرویس های جاسوسی غرب و نمایندگان شرکت های نفتی با آنها.

نگاه کوتاهی به جریان تأسیس و تکوین اخوان المسلمین و شاخه ایرانی آن (فدائیان اسلام) می گوید که معتقدترین مسلمانان و راهیان تشکیل حکومت اسلامی چون حسن البناء تمام زندگی خود را وقف تشکیل یک کشور اسلامی و توسعه آن نمودند. در ایران، لیکن نواب صفوی ها رایت خود را به ایت الله خمینی ها می سپردند که در اعماق جان و ذهن خود در طلب یک حکومت اسلامی در ایران بودند. این اعتقاد خالصانه که تا امروز نیز در میان سرمدمداران کوچک و بزرگ رژیم اسلامی دیده می شود اما که در تصویر بزرگ تر و اقلأ با تشکیل اتحاد شوروی، عمیقاً هم سوی طرح و نقشه لندن، واشینگتن قرار می گیرد. تشکیل یک بلوک پر قدرت اسلامی که بتواند در دو جبهه یعنی مقابل موج ملت گرایی (ناسیونالیسم ایرانی و پان عربیسم اعراب) از یک طرف و توسعه روز افزون چپ و نیروهای دموکرات بایستند و آنان را در هم شکنند. کافی است نگاهی به اسناد و مدارک تشکیل جمعیت اخوان المسلمین از بدو تشکیل بیاندازید. چگونه برادران مسلمان از سوی ابتدا لندن و سپس کاخ سفید تجهیز و تدارک داده می شوند که ابتدا همکاری خود را از باقیمانده نازی ها خارج کرده و سرسپرده لندن و واشینگتن شوند. باید ناصریسم و موج ناسیونالیسم در این منطقه با مطرح نمودن آلترناتیو حکومت اسلامی پاسخ گویند. باید قاهره را با ترورهای خود از معلمین، استادان دانشگاه، قضات و روسای اتحادیه های کاری، دچار جو ترور و وحشت نمایند.

اخوان المسلمین در منطقه نفت خیز خاور نزدیک از لیبی تا پاکستان توسعه می یابد. نوجه های آنها در ایران فدائیان اسلام هستند که پرچم حکومت اسلامی را از دست کاشانی به خمینی می سپارند. با جان و دل مسلمان هستند و طالب حکومت اسلامی. در این راه دشمن درجه یک چپ و ملیون هستند و باکی ندارند که هم نام و هم جنس آنها می شود رهبر بعدی اخوان بنام سعید رمضان که هم برای لندن و هم واشینگتن کار می کند. شاخه های اخوان را در کراچی پاکستان سازمان می دهد تا امثال ضیاء الحق ها را تربیت می کند که بعدها حکومت اسلامی پاکستان را بسازد. شعبات خود را از اروپا به آمریکا هم می رساند، آنجا که برای نخستین بار اخوان المسلمین انجمن های دانشجویان مسلمان (انجمن اسلامی دانشجویان) را مطابق مدل قدیمی تأسیس نمایند تا دانشجویان را از خطر افتادن در تشکیلات چپ ها و ملیون حفظ نمایند. در افغانستان و با پول ISI (سازمان جاسوسی پاکستان) که از عربستان سعودی می گیرند، آدم خوارانی مثل گلبدین حکمتیار تربیت کند که روز روشن اسید بروی

پاکستان تا لیبی در دست دارند.

طنز روزگار اینکه، رویای خلافت اسلامی در قرن بیست و یکم به واقعیت می پیوندد، اسلامی که جداً و در بُعد دولتی و راستین که نه از سوی معتقدین به تعدیل و هرمنوتیک که توسط تروریست‌های سابقه‌دار، اما که هم سوی شرکت‌های نفتی، جنبش مردمی را سرکوب و سپهر دموکراتیک تحولات اجتماعی - سیاسی منطقه را نابود و آن را، پشت قباله انحصارات امپریالیستی و امپراطوری سرمایه انداختند.

